

فرستادند.

قسم خوردن سرکرده‌ها خدمت سپهدار

تماماً با کلام مجید قسم یاد نمودند هفت هزار تومان مالیات از طایفه داز و ایلغی^۲ با خسارت اردو گرفته شود چه خوب، والا هر یک از بلوک خود ایاجاری خبر نموده اردو را در سالیان هفت فرسخی استرآباد انعقاد نمایند و تمام تراکمه مزبور را بچاپند یا خودشان کشته بشوند. لاکن ایاجاری خبر نموده و می‌روند دهات جعفربائی، هم‌بداردو رفته شاید بین ایالت و تراکمه داز و ایلغی را اصلاح کنند. تاجچه اقتضا کند.

نمره ۱۲۵

سفارت ورشت ۱۹۵۸

۳ اپریل - ۵ اپریل

۲۸ ماه مذکور خبر رسید سپهدار به اتفاق سرکرده‌ها و سوارها و ایاجاری رسیده بدسالیان رفته، لاکن اردو را حرکت داده، بنه ایمر فرستادند که انتهای یورت دویجی می‌باشد. رفتن ایالت با این استعداد به سالیان بدقرب ده نفر از پیرمردان ورژسای طایفه داز بر سر توپ ملتجی شدند، سه نفر اسیر را به اردو آورده تسلیم نمودند. به توسط ساعد لشکر قرار شد چهار هزار تومان مالیات و خسارت وارده را سه روزه بدهند. به همین طریق اصلاح شد.

حرکت سپهدار از سالیان سلخ ماه مرج

حرکت از سالیان به اردوی مخصوص که بنه ایمر منعقد شده می‌روند.

رفتن نواب ابوالفتح خان

رئیس تگرافخانه استرآباد برای تعمیرات سیم خط گنبد قابوس که از راه کتول و فندرسک کشیده شده رفتند.

خلعت دادن سپهدار به غلام قونسول روس

در باب چهارنفر اسیر که قونسول به کارگذاری فرستاده حسب الامر سپهدار، لواء الملك يك طاقدشال به توسط کارگذار به غلام دادند.

بخشیدن سپهدار دواسب به سادات و غیره

سی اسب طائفه داز در ازاء دوهزار تومان به ایالت می‌دهند. دورأس به سادات

۲ - در مراجع «یلغی» هم ضبط شده است.

بخشید و يك رأس به پسر مرحوم ملا اسمعیل مشهور به ستون، يك اسب در ازاء گوسفند قریه مریم آباد، نیم فرسخی مشرقی به آقا محمد تقی کلاتر مبدول فرمودند.

درباب فرستادن سه نفر اسیر که در خاک روس بودند به کار گذاری

يك نفر از این اسیرها که قونسول فرستاده بود عروس ارباب معدن بود که مخارج زیادی نموده بود. در صورتیکه با مشارالیها هم خوابه شده، شوهرش را خواسته بودند. غره ماه اپریل ارباب معدن سه نفر ملازم خود را فرستاده عروس را ببرند. کار گذار قبض رسید از حاج شیخ حسین گرفته مشارالیها را تسلیم نموده بردند.

ایضاً هفت نفر اسیر اکراد را ۴ ماه اپریل

۲ ماه اپریل مذکور خبر رسید هفت نفر اسیر اکراد به طایفه دویجی بوده به توسط مفاخر الملك خدمت ایالت آورده تسلیم صاحبانش نمودند.

درباب معزولی کاسیمان رئیس تلگراف روس از استرآباد

سفارت بهیه روس کاسیمان را برای تلگرافخانه طهران احضار فرمودند. مشارالیه به قرب دویست و هفتاد تومان اسباب متفرقه خود را حراج و منتظر ورود رئیس تلگراف روس وارد بشوند، بعدایشان بروند.

درباب اعتدال هوای استرآباد

زمستان امسال هوای معتدل سازگاری داشت. در این مدت سه ماه زمستان ابداً باران نیامد. لکن در حوت چند روزی خشک سرما نموده بعد آفتاب شد. حال سه چهار روز است باران خوبی آمد که تمام مردم را احیاء نمود. هر آینه این باران نیامده بود ابد آغله به عمل نمی آمد. اهالی دهات و غیره پریشان می شدند.

نمره ۱۳

رشت و طهران - ۱۹۰۸

درباب استنطاق قونسول برای طلب اتباع خود در کار گذاری

حاجی احمد تجار استرآباد به موجب و کسب به اتباع روس داده بود قونسول دوازده هزار مناط اصل، پنج هزار مناط فرع در کار گذاری مطالبه می نمود. کار گذار وجه ترول را از قونسول خواهش کرد حرفی نزنند. بعد از چند مجلس استنطاق دوازده هزار مناط طلب تاجر روس را حاج احمد مذکور تسلیم به کار گذاری نموده به انضمام صد و پنج و کسب های خود را گرفتند.

درباب حرکت اردوی سپهدار از بنه ایمر رفتن به آقا امام

دوساعت بعد از حرکت اردو به سمت آقا امام که نزدیکی حاج لر می باشد طایفه قرقچی که سابقاً با قجق و سلاخی خونی بودند آمده یک نفر ترکمان سلاح را قتل، یک نفر رامی برند.

لخت کردن طایفه داز چهار نفر رعیت قلی آباد چهار فرسخی شرقی را

سوارهای یاغی داز گردش می کردند، به اشخاص قلی آبادی من بلوک فخر عمادالدین برخوردارده لخت و چهار قبضه تفنگ آنها را بردند. بعد خوانین طایفه از ترس تفنگها را گرفته پس فرستادند.

درباب شکایت قره پطیانس و پانیانس از میرزا سید محمدخان سرحددار بندر جز شرحی از سرحددار به کارگذار استرآباد شکایت کرده بودند که برای شرارت یک نفر لتکاچی تبعه ایران، مشارالیه لتکا که متعلق به رئیس شیلات بوده در بندر معطل می نماید. چون سرحددار سپرده به کارگذار استرآباد است اطلاعی دادیم که جلوگیری نمایند والا لا بدیم رسماً به قونسول عارض شده، در این باب مذاکره نماید.

تلگراف سپهدار به لواء الملک هفتم ماه اپریل که به انجمن ارائه نمایند

در بنه ایمر آنچه خواستم با ترا که قرقچی به طریق اصلاحی برآیم نزدیک نیامدند. تا ورود به آقا امام شنیده شد اشخاصی که از سرحدات خراسان اسیر و اموال او را در سنگر سواد^۲ پنج فرسخی مسافت با آقا امام ساکن بودند دیروز صبحی را با سوار و سربازو دوعراده توپ حرکت کردیم. نزدیک رود گرگان هشت هزار گوسفند و سیصد نفر شتر و پنجاه رأس مادیان آنها را با دونفر بچه گرفتیم. به واسطه طغیان آب گرگان چند نفر از آب گذشته، هفت آلاچیق ترا که دویجی را غارت و چوب و آلات را آتش زده، چند نفر شتر هم در زیر گرگان سوارها چپاول کرده برگشتند. زمان مراجعت دودسته سوار استرآبادی را برای بلد جلو روانه داشته توی نیزار سختی که ترکمانها سنگر برای خود داشتند افتادیم. یک مرتبه برای شلیک تفنگ شد. دسته اول حاجی رحیم خان فرار کرد. بعد دوساعت تمام با ترا که تراع سختی نموده تماماً فرار کردند. دونفر سوار اکراد به قتل رسید. دونفر سرباز هم مفقود است. لاکن تحقیق و کالت بعد از کشته شدن سوار استرآباد و مازندرانی تماماً فرار نموده، ترا که هم تعاقب می نمایند. دو نفر سرباز را در حین فرار زنده گرفته رفتند. ترا که قچق ابواب جمعی ایلخانی دو نفر قتل، دونفر هم تیردار شده ورود سپهدار به اردو از کثرت بی نظمی و اغتشاش بین سوارهای فندرسک و سربازها برای تقسیم گوسفند و غیره تراع سختی شده، چوب مفصلی بهم می زنند. یک اسب خیلی ممتاز علی اکبرخان سرتیپ سیصد و پنجاه تومان خریده بود در این

جنگ تیرافتاد. تاجه بشود. (عمله جات شیلات نهماه در وتقه و ملاکیله مشغول به خدمت می باشند، تماماً عدد، تقویمی آنها پانصد نفر زیاده می شود. لکن به قرب هشتاد نفر زن برای کار می آیند. فصل تابستان به روسیه می روند)^۴.

درباب تشکیل مدرسه اطفال در بندر جز هشتم ماه اپریل خبر رسید

خبر رسید اجزاء گمرک بندر جز به اتفاق تجار و کسبه ایرانی در منزل سرحددار مجلس نموده مبلغ چهل و پنج تومان وجه اعانه جمع شد که انعقاد مدرسه بشود. تاجه اقتضا کند.

درباب عارض شدن محمدابراهیم ملازم کارگذاری به انجمن استرآباد

دهم ماه اپریل به انجمن رفته عارض شد که مدتی است کارگذار رکن الوزاره به ماها مواجب نداده و طلب شخصی هم داریم، هر وقت مطالبه نمودیم سوای فحش چیزی نیست.

نمره ۱۴۵

سفارت و رشت - ۱۹۰۸

درباب کشتن کرد ترکمان - درباب کشته شدن يك نفر کتولی و يك نفر ترکمان داز که سابقاً يك نفر صیدمیرانی^۵ راکشته بود و يك بار شالی اورا برده اهالی صید میران جنب قریه آزاد محله، يك فرسخی مغربی کردرا تقاص می نمودند. تراکمه مذکور بد قریه قوش کرپی دهات کتول چپاول رفته طرفین نزاع می نمایند. يك نفر کتولی و يك نفر تراکمه داز کشته شد.

به قریه حاج سیدظاهر مجتهد

ترکمان طائفه بش اوسقه^۶ به قریه چفاکند^۷ هشت فرسخی مغربی رفته، به عنوان دزدی پسر عموی حاجی آقای مذکور از بیرون ده به سمت خانه می آمد، اورا کشتند.

۲۷ ماه اپریل خبر رسید از اردو، تراکمه مال سرقت نمودند

دزد ترکمان به اردو رفته سه رأس قاطر مال حاج رحیم خان، چهار قاطر بايك رأس اسب مال نفرخان صمصام لشکر، دو اسب از ساعدلشکر بردند.

۴ - متن داخل پرانتز در حاشیه نوشته شده بود.

۵ - (= سید میران).

۶ - چپاکنده (گرگان زمین).

۷ - بش یوسقه (فرهنگ آبادیهای ایران).

درباب عظیم اف و سیدابراهیم

چون قوه مجریه حکومت استرآباد درباب فرستادن سیدابراهیم به طهران به فعل نیامده وزارت امور خارجه بدکار گذاری واگذار نمودند.

دستگیر شدن سارق در اردو

یک نفر کرد چندی در طائفه یموت بود. تمام شرارت و چپاول سرحدات خراسان را خدمت ایالت اقرار نموده بود، می گوید گوسفند چاق را باید قربانی نمایند. سپهدار امر کرده او را دهنه توپ گذاشتند. در صورتیکه شب قبل قاطرهارا برده بود.

نزاع طایفه دوگونچیها با جعفر بائی برای سرقت مال

به سبب سرقت کردن مالهای زیر قریده خوچی ۸ که به دستگیری پسرش فروردی، کسان حاجی محمدخان برده بودند، طایفه دوگونچی که ساخلومی باشند مطالبه می نمایند. سارقین سخت جواب داده، طایفه دوگونچی تیرزده یک نفر کسان حاجی محمدخان را کشتند. بعد از ترس او به دراکوچانیده به سرحد قریه محمدآباد پناه آورده از ایشان همراهی می نماید.

درباب حمل پنبه به روسیه

سالی پنجاه هزار تاجه از شاهرود و استرآباد به سمت روسیه حمل می شود. از سبزوار و دامغان هم می آورند.

درباب بردن گوسفند کرد محله

تراکمه جعفر بائی به قریه کرد محله رفته سیصد رأس گوسفند متعلق به حاج شیخ محمد حسین بوده چپاول می نمایند. طرفین نزاع نموده یک نفر ترکمان مقتول، یک نفر هم چوپان کشته شد و گوسفند را بردند. بعد حاجی شیخ حسین چهار نفر ترکمان را که گرو نموده بعد از دوروز دوباره رها نمود.

درباب مسترد نمودن قونسول روس پول سالار مکرم را به توسط کارگذار

بعد از وصول وجه بیست و هفت هزار و پانصد تومان که به حواله بندر داده شد ادعای حاج میراحمد را به چهار هزار تومان گذرانیدند. سالار مزبور سیصد تومان حق الزحمه برای رکن الوزاره فرستاد. مشارالیه ده تومان به حامل وجه انعام دادند.

بقیه مرافعه ملازم کار گذاری

حکم مجلس شد کارگذار یا ملازم خود محمد ابراهیم در منزل آقاسید جمال

مرافعه نمایند. بعد مرافعه به قسم رسید. کارگذار خواست قسم یاد نماید، آقاسیدجمال بین ملازم و اورا سی و پنج تومان اصلاح [کرد] و رخوت محمدابراهیم را هم مسترد نمایند.

درباب گرفتن سلطان ترکمان اتابائی برای سرقت مادیان تبعه روس

سارق اظهار داشت که مادیان را به حیدرقلی خان پسر حاجی رحیم خان داده ام. کارگذار اورا حبس نمود، تعهد گرفت پنجاه تومان وجه قیمت مادیان را باسی تومان مزدگانی که در تراکمه رسم است بدهد و رهایش نمود.

نمره ۱۳ که جناب ربی نو ۹ صاحب به طهران راپرت داده اند

۱۳ آپریل وارد بندر جز منزل رئیس گمرک و ۱۴ شب را در کرده محله منزل سلیمان خان، روز پانزدهم مقارن ظهر ورود به استرآباد فرمودند. ده روز تمام توقف بعد از اصلاح کارها از راه ساری به بارفروش و مشهدسر از آنجا با پراخوت بهرشت مراجعت نمودند.

درباب یورش اهالی اوزینه نیم فرسخی شرقی

به واسطه تعدیات آقامحمدتقی کلانتر برای زیادتی مالیات سال قبل تماماً به قونسولخانه روس پناه آورده، قونسول حاج شیخ حسین را احضار منزل خود کرده، اصلاح نمودند.

احداث ماشین پنبه در استرآباد

انتهای بازار نزدیکی دروازه آق قلعه به سمت شمالی کارخانه پنبه را چهارنفر به شراکت بنا نموده اند. اسامی آنها از این قرار است: میرزا داودخان گرجی - باران امیریار مسیحی - حاج محمدصادق - مهدی قاسم تاجر.

عارض شدن گاودارهای زیارتی به انجمن از کلانتر مزبور

چون همه ساله در قریه فوجرد گاوها و گوسفندهای خودشان را برده تعلیف^{۱۰} می نمودند، قرار بود حق مراتع را نود تومان بدهند. مشارالیه از باب مراتع امسال را سیصد تومان مطالبه داشت. از قرار معمول سابق رفتار نمودند.

حرکت سپهدار از آق امام

خبر رسید اردوی نظامی را حرکت داده، در اول خاک گوکلان چهارفرسخی گنبد قابوس منعقد نمودند.

۹ - رابینو که کتاب استرآباد و مازندران را نوشته.

۱۰ - اصل: تألیف.

درباب سرقه گاو و مال از کریم آباد

ایضاً خبر رسید تراکمه اتابائی یک رأس مال، دو رأس گاو از کریم آباد نیم فرسخی شمالی سرقه بردند.

سفارش سالار مکرم برای رفتن سه لتکا تراکمه به سمت مازندران

به حبیب الله خان برادر خود نوشته اند که سه لتکا ترکمان دارای سه نفر تراکمه برای چپاول کردن آن صفحات آمده، دهات آنجا را بارعایا خبردار کرده تا خبر و کشیک بکشند. تاچه اقتضا کند.

چپاول کردن گوسفند آهنگر محله را

سوار طایفه داز و ایلغی یک بلوک گوسفند آهنگر محله را دو فرسخی شرقی چپاول کرده بودند.

رفتن موسی خان قرقچی با سوار خود و سوارهای جعفر بائی به قریه هاشم آباد

رفتن سوار مذکور به قریه هاشم آباد یک فرسخ و نیم سمت شمال و مغرب. اهالی قریه خبردار شده بعد از زد و خورد زیاد مراجعت می نمایند. سر راه دویست رأس گاو قریه قاعه محمود را که یک فرسخی شمال و مغرب استرآباد است چپاول کرده بردند.

بیرون کردن طایفه گموش تپه و غیره و تمام خیاطهای ولایتی را

به واسطه میل داشتن عیال حاجی قول محمد ساکن انجلی ۱۱ و ندانن انجلی او را با عیال داماد حاجی محمد خان که آن هم میل به رفتن دارد، از ترکمانها لجاجت نموده آنچه خیاط استرآبادی در گموش تپه و انجلی و جای دیگر بودند تماماً را بیرون کرده به شهر آمدند.

مذاکره قونسول درباب چهارده هزار مناط طلب تجار روسی از حاج عیسی طایفه کلانتری

حاج عیسی مذکور چند سال قبل خرید روسیه را داشت. سه سال قبل به مکه معظمه رفته، مراجعت از مکه به قرب سه چهار هزار تومان از خرید خانه و ساختن عمارت مخارج نموده، از قرار معلوم درباب طلب اتباع روس افکار داشته باشد. تاچه اقتضا کند.

رفتن مترجم سفارت روس

بعد از ختم کارهای معوقه قونسولگری به سمت بندر جز دو شب توقف کرده بودند به عسوراده می روند.

شرارت تراکمه طایفه داز

خبر رسید تراکمه طایفه داز در صحرای قرق یک نفر کتولی و یک نفر رعیت دولت آباد گناره من بلوک فخر عمادالدین را به قتل رسانیده و دوما و دویت تومان اجناس متفرق را به غارت بردند.

درباب تراکمه داز که برای رفتن سالار مکرم در صحرای قرق بسخو داشتند.

به تراکمه داز خبر رسید که سالار مکرم سواد کوهی هشت هزار تومان وجه نقد به همراه دارد و به اردو عازم است. پانزده نفر ترکمان برای چپاول کردن وجه و گرفتن سالار مکرم به رودخانه سرخ محله آمده بسخو می نمایند. سالار هم شب در قریه قلی آباد چهار فرسخی شرقی توقف، از قضا صبح را می خوابد، اگر چه چهار نفر ترکمان جعفر بائی و ده نفر سوار کلولری ۱۲ همراه داشتند. لکن ترکمانها قبل از حرکت سالار از قلی آباد یک بلوک گوسفند کتولی برای تعلیف ۱۲ به صحرای قرق آمده، چوپان را کشتند، گوسفند را چپاول کرده بردند. سالار مکرم زمانی رسید در صحرای قرق که چوپان را تازه کشته بودند و گوسفند را برده بودند.

نمره ۱۵

سفارت - ۱۹۰۸

۱۶ ماه می - ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۶

بردن سی رأس مادیان طایفه ایلغی و قرقچی از نیم فرسخ شمالی مرزن کلاته

حیدر قلی خان پسر حاج رحیم خان تراکمه مزبور را محرك گردیده مادیانهای رعیت مرزن کلاته را ببرند که اهالی قریه مذکور پشم گوسفندها را با تراکمه به موجب قرارداد بدهند که به اسم ساخلوئی در تمام دهات سدن رستاق و استرآباد رستاق مرسوم است.

درباب آتش زدن بانک جدید روس را در بندر جز

منزل موقتی را که برای بانک مشخص کرده بودند نزدیک صبح چند نفر از بندر جز رفته زیر خزانه بانک را بانفط آتش می زنند. رئیس بانک بیدار گردیده بیرون آمده و فریاد نموده اجزاء و اهالی بندر از اطراف آمده خاموش ۱۲ کردند. چند نفر از کسبه سنگسری را سرحددار گرفته چوب زدند. لکن محرك معلوم نشد. تاجه شود.

۱۲ - کلیلری هم خوانده می شود.

۱۳ - اصل: تألیف.

۱۴ - اصل: خموش.

از دحام خلق محله میدان و بعضی از محلات دیگر به امر آقاصادق پسر حاج سیدظاهر - رفتن به انجمن

آقاصادق باجمعی از اهل بلد به انجمن رفته ایراد نمودند آیا این مجلس تاکنون چه کاری صورت داده، سوای تجری رعیت و سایرین. فرستاده بودند عقب حاج سیدحسین رئیس. مشارالیه از ریاست انجمن استعفا داده، لکن تجار به منزل حاج شیخ رفته استعفای او را قبول نکردند، او را به ریاست خواهانند.

در باب بیرون کردن قونسول حکیم را به سبب راپرت دادن او به سفارت روس و کاسیمان سبب راپرت دادن حکیم و کاسیمان رئیس تلگراف روس آمدن مترجم سفارت برای رسیدگی امورات آنها بوده، حکیم را معزول، اسباب و دواجات و يك عدد ماشین لیمونات سازی را حراج^{۱۵} می نمایند. ماشین را به سیصد مناط به امین التجار فروخته، قرار شد طلبکاران از بابت طلب خودشان تومانی پنج هزار دینار بردارند.

فرستادن قونسول اسباب خود را به روسیه

از قراری که شهرت دارد قونسول روس مرخصی سه ماهه از دولت خواسته است. لکن به سبب فرستادن تمام اسباب شخصی را به طور حدس^{۱۶} باید معزول باشد. تاچه اقتضا کنند.

ریختن رعایای قلندر محله به انجمن و تشکی از تعدیات آقاصادق

رعیت مذکور به شهر آمده به انجمن می روند. اظهار داشته از دست تعدی... ۱۷. زن و دخترهای خودشان که آقاصادق مرتکب می شود، مشارالیه به مجلس رفته در کمال تشدد به انجمن جواب داده بر می گردد.

در باب شرارت تراکمه داز و جعفر بائی - فرستادن سپهدار ساعد لشکر را برای اسکات آنها ساعد لشکر از اردو یکسره به طایفه داز آمده تمام اشرار و خوانین را جمع نموده هر يك اظهاری به ساعد لشکر نمودند. مشارالیه قرار شد هزار تومان وجه که حسن خان کلته (؟) برای اسیر اکراد به امر ایالت داده بود مسترد نمایند. اسب و تفنگ سوارهای موسی خان که سال قبل طائفه خجق^{۱۸} گرفته سپهدار از آنها پس بگیرد با موجب مشارالیه بدهند. دهم ماه می به اتفاق پنج نفر پیرمردان ساعد لشکر به اردو رفتند.

۱۵ - هراج.

۱۶ - اصل: حدت.

۱۷ - يك کلمه ناخوانا

۱۸ - خجق (گرگان زمین).

درباب عملهجات شیلات و تراکمه جعفربائی برای تحقیق امر

به واسطه یاغی بودن ترکمانها امکان نشد که تراکمه مزبور به شهر آمده در کارگذاری استنطاق شود. به اجازه ایالت قرار شد مترجم سفارت شخصاً این کار را انجام بدهد. دوشب در بندر جز توقف کرده بعد به عشوراده می‌روند. امر نموده هشت نهلتکاترکمان را دریاییگی توی دریا دستگیر به عشوراده برده ضبط ۱۹ نمودند، تا اینکه پیرمردان طائفه جعفربائی به آنجا رفته قراری برای این کار بدهند.

نمره ۱۶۵

سفارت رشت

عارض شدن بچه سرباز دو دانگه در اردو به سپهدار

از اردو خبر رسید اسمعیل خان صارم الممالک يك نفر بچه سربازی را به عنوان مالیدن پای خود توی چادر برده خواست با او لواط نماید. سرباز میل نداشت. چند نفر آدمهای خود را صدانموده سرباز را نگاه داشته مشارالیه مقصود خود را حاصل می‌نماید. صبح سرباز به نایب خود عارض شده عریضه خدمت سپهدار داده عارض شدند. محض اسکات سربازی قدری فحش به صارم الممالک [و] قول داده زمان مراجعت اردو دیده گرفته شود.

ایضاً درباب فرار سرباز و سوار

به سبب نبودن حقوق و اغتشاش اردو سرباز حشمت اکثری و سوار اکراد و تیموری فرار می‌نمایند. سپهدار لابد گردیده، چند نقطه که محل فرار بودند از سربازهای فندرسکی و حاجی لری قراول گذاشته بگذارند.

۱۴ ماه می از اردو خبر رسید دزد تراکمه ایگدر، يك رأس قاطر صدو پنجاه تومانی مال سید شاهرودی مهمان صمصام لشکر و يك رأس اسب سوار مشارالیه به سرقت می‌برند.

درباب تقاص کردن تراکمه ایگدر به جهت کشتن يك نفر اکراد

که دهنه توپ گذاشتند

به عرض رسانیده شد سپهدار يك نفر سارق [را] در اردو گرفته دهنه توپ گذاشتند. این شخص اکراد به طایفه ایگدر قرق سرقت زیادی داشته، سردار تراکمه بوده، چون او را در اردوی سوارهای حاجی لری گرفته بودند، لهذا تراکمه ایگدر به حاجی لری رفته يك نفر جوانی را تقاص می‌نمایند. بعدا هالی حاجی لری نعش مقتول را روی مال بسته به اردو

می‌برند. سپهدار جواب داده... ۲۰ برای عیال... ۲۱ مقتول حاجی‌لر می‌باشند. حضرات بکلی از این جواب مأیوس گردیده برگشتند.

درباب سرقت طایفه داز، يك نفر رعیت صمصام لشکر بالاجلین را

تراجع طایفه داز با سپهدار به عرض رفته، سوار صمصام لشکر اسباب زیادی از تراکمه چپاول کرده بودند. ترکمانها در فکر تقاص اموال خود می‌باشند. تا آنکه به قریه بالاجلین يك فرسخی شرقی استرآباد آمده بسخو نمودند. نصف شب يك نفر رعیت برای محافظت زراعت بیرون بوده غفلتاً او را بردند.

درباب سنگ زدن به بازوی رکن الوزاره کارگذار شب پانزدهم می ۱۹۰۸

يك ساعت از شب گذشته کارگذار بایک نفر آدم بدحمام میخچه‌گران رفته سه ساعت ونیم از شب مراجعت می‌نماید. شصت قدم فاصله تامنزل خود در حین آمدن باران می‌گوید سنگی به اندازه ده سیر تبریز از توی دکان خرابه بدجهت سرش آمده، به بازوی راست وارد شده، صدمه زیادی میزند. از شدت سنگ مذکور دوشبانه روز در بستر خوابیده، آنچه تفحص شده مرتکب نامعلوم است.

درباب باران

دوشبانه روز باران شدیدی آمد. فی‌الواقع اهالی استرآباد احیاء شدند. هرآینه باران نیامده بود جو و گندم ضایع، رعیت پریشان می‌شدند.

رفتن قونسول بامیرزا جعفر به خوجه نفس

هفدهم ماه می تلگرافی برای قونسول رسید، بامنشی خود فوراً به خوجه نفس بروند. تا چه اقتضا کند.

درباب فرستادن وجه به اردو

روز ۱۷ حسب الامر ایالت لواء الملك برای مخارج کارخانه سپهدار دوهزار تومان به توسط دوازده سوار کلبادی حمل می‌نمایند.

درباب مالیات گوکلان و تقلبات ایلخانی و مفاخر الملك به جهت کارهای

ایالت و استرآبادی در کنیک دستگیر می‌باشند

۱۹ ماه می مطابق ۱۸ ربیع‌الثانی

سعدالله‌خان ایلخانی حاکم فندرسک به اتفاق علی‌محمدخان حاکم کتول در یورت

داز نوعی اسباب چینی برای کثیف نمودن ایالت فراهم نمودند و طوری بدون نظم اردو را به سمت گوکلان رسانیدند که شیرازه اردو از هم گسیخت. سرباز و سوار تجری نموده، اسباب بی نظمی را فراهم آورده که هر چه این دونفر به سپهدار عنوانی نمایند تمرد نشود، با اینکه اردوی بسطامی در اول خاک گوکلان دو فرسخی چاتفر منعقد گردیده کارها بروفق دلخواه نیل مرام گردید. اولاً چنان وحشت در اردو انداختند که سوار برای آوردن عاف پانصد قدم زیر حد اردو جرأت ۲۲ نداشته، باید يك عده سوار علیحدہ قراولی بکشند که سوار یاغی ایشان را اسیر نکند. ثانیاً چهل هزار تومان مالیات پنج ساله گوکلان تاکنون گرفته نشده بود و پنجاه هزار تومان هم از گوسفند و غیره که از کردستان چپاول کرده اند، نود هزار تومان متجاوز بدهی طایفه گوکلان بوده ایلخانی و مفاخر تماماً را به ایالت قرار داده، سی هزار تومان دریافت نموده مراجعت کردند. در صورتی که شصت نفر اسیر و غیره به انضمام سیصد هزار تومان اموال غارت شده در طایفه دویچی و ایگدر که در کنیک ساکن هستند و امروزه به طور حتم گرفتن اسرا از تراکمه یاغی اشکال دارد.

نمره ۱۷۵

سفارت و رشت ۱۹۰۸

۹ ماه جون مطابق ۹ جمادی الاولی ۱۳۲۶

درباب طلب هشت لتکا تراکمه را در ریایی روس در عشوراده

به عرض رسانیده، لکن خبر صریح این است که معروض می دارد. این چند لتکا به اسم صید ماهی به سمت مازندران می رفتند که در آن محالات مال چپاول نمایند. در ریایی روس ایشان را تعاقب نموده، ترکمانها از ترس تماماً تفنگهای و راندل خود را با قطارهای فشنگ به دریا انداخته بعد در ریایی می رسد، می گویند که ماهی صید می نمائیم. معزی الیه حرف آنها را نپذیرفته تماماً را حمل به عشوراده [نموده] بیست و دوسه نفر ترکمان بودند. هر يك را نود تومان جریمه گرفته رها می نمایند. هشت لتکا جدید را با دولتکا سابق برای خون يك نفر تبعه خودنگاه داشته اند.

درباب تجار گموش تپه که از گرگان نهری حفر نموده آب گموش تپه ببرند

چندی است تراکمه گموش تپه نهری بالاسر خوجه نفس به فاصله دو هزار قدم مسافت دارد حفر می نمایند که آب گرگان را به گموش تپه برده مشروب شود. تاکنون دو میل حفر نموده اند. لکن يك ماه دیگر به اتمام خواهد رسید. به واسطه آمدن باران که عرض شده بود در گرگان طغیان نموده، تمام آلاچیقهای خوجه نفس را آب گرفته که با میثمور (?) حرکت می نمودند. اکثر تراکمه از شدت آب و گل خانه های خود را حرکت داده به جای

مرتفع برده نصب نمودند.

درباب مراجعت قنسول روس از خوجه نفس و مأموریت ایشان

سال گذشته به عرض رفته بود، در ملاکیله برای صید ماهی بین تراکمه و عملدجات شیلات نزاع شده يك نفر ارامنه را تراکمه تقاص نموده بودند. چندی است قونسول مطالبه خون يك نفر مسیحی را داشته، چون حکومت استرآباد قوه گرفتن قاتل را نداشت، لهذا واگذار کرده قونسول شخصاً پول خون تبعه خود را از تراکمه بگیرد. [به] مأموریت مشارالیه در خوجه نفس رفته هفده نفر... ۲۲ و پیر مردان تراکمه را آورده، هشت ساعت در آلاچیق حبس نموده، دو نفر قزاق قراول گذاشته و خود برای ملاقات مترجم سفارت در «پراخوت» جنگی رفته دو ساعت از شب گذشته مراجعت نموده تراکمه آه و ناله زیادی می نمایند که حبس ماها برای شما حاصلی ندارد، سه روزه به ما مهلت بدهید هر يك طایفه خود را جمع نموده قراری برای جمع کردن وجه خونی می نمائیم و خودمان هم در شهر حاضر می شویم. قونسول به ایشان مهلت دادند و گفتند هر آینه حاضر نشوید برای من امکان دارد هر وقت شماها را گرفته وجه خونی تبعه خود را اخذ نمائیم. تاچه شود.

درباب فرستادن وجه برای حقوق افواج و سوار در اردو روز ۲۱ ماه می ۱۹۰۸

از قرار معلوم سوار و سرباز از گرسنگی در اردو بلوا نمودند. سپهدار تلگراف به لواء الملك نایب الحکومه فرموده دوازده هزار تومان وجه عاجلا روانه اردو نمایند. بیست و یکم ماه می حسب الامر وجه مزبور را حمل نموده، توسط سوار کلبادی و پیاده دهات لمسک بروند.

قرار مجدد برای گرفتن اموال غارت شده رعایای

معدن و جوین از این قرار است

به عرض رفته بود مالیات پنج ساله و خسارات فوق العاده سرحدات خراسان را ایلخانی به سی هزار تومان اصلاحی نموده است. به قرب سیصد نفر اهالی جوین و معدن مدتی است در اردو ساکن شده، خدمت سپهدار رفته تظلم زیادی می نمایند. از آه و ناله ایشان ایالت مترجم گردیده از قرارداد خود با ایلخانی نکول نموده کاغذی به مشارالیه نوشتند که تمام خسارت کردستان ۲۲ را از گوکلانی می خواهیم. مجدداً ایلخانی و مفاخر الملك به امر سپهدار با قلیچ ایشان که رئیس و مجتهد بزرگ گوکلان است قرارداد دادند. به این ترتیب از اهالی گوکلان گرفته اموال را به صاحبانش مسترد بدارند.

— وجه نقد بابت مالیات که عاید ایالت می شود: سی هزار تومان

— گوسفند دوازده هزار رأس — شتر دویست نفر — قاطر و الاغ دویست رأس

— گاو صد رأس

۲۳ — يك كلمه ناخوانا.

۲۴ — مقصود طوایف کرد است.

ورود فوج سمنان به استرآباد، ۲۳ ماه می ۱۹۰۸

دو دسته فوج مذکور صد و هشتاد نفر سرباز وارد گردیده در تکیه نعلبندان منزل کرده، روزها مشغول به کسب قصابی و عملگی و غیره هستند.

درباب معزولی حیدرقلی خان داروغه و گرفتن خانی طایفه یارعلی را

حضرتقلی خان پسر قلیچ خان، داروغه شدن محمدقلی خان

قلیچ خان ترکمان طائفه جعفربائی که از اکابر طایفه مذکور محسوب می شد مرحوم ساعدالدوله سردار در بیست و پنج سال قبل از حکومت استرآباد داشته محرك شده اورا در يك فرسخی شهر که به سمت صحرا می رفت به قتل رسانیدند. حضرتقلی خان پسر قلیچ خان بعد از خفه شدن حاجی محمدخان باکسان خود در رکاب سپهدار مشغول خدمت بوده. ایالت، خانی طایفه جعفربائی [را] که متعلق به پدرش قلیچ خان بوده به مشارالیه مرحمت فرموده و به خواهش حضرتقلی خان حیدرقلی خان را معزول محمدقلی خان سرتیپ را منصوب نموده کمافی السابق قریه قلعه محمود را که خاصه دیوانی می باشد به حضرتقلی خان واگذار نمودند.

درباب تیرزدن النک ترکمان به لجاجت حاجی وقدی رعیت

و کیل آباد يك فرسخی شرقی را در صحرا، روز ۲۵ ماه می خبر رسید

این روزها تراکمه جعفربائی و اتابائی برای درویدن جو به ذلت می گذرانند. چون سالهای قبل سربازهای مأمور استرآباد و هزار نفر متجاوز اهالی دامغان برای درویدن جو و گندم ترکمان به استرآباد می آمدند امسال به سبب اغتشاش مردم جرأت ۲۵ نکرده، کسی هم نیامد. خیلی سخت است. النک ترکمان يك نفر رعیت و کیل آبادی را از شهر برای درو کردن به صحرا برده بعد حاج وقدی نام ساخلوی قریه ولیک به خانه النک ترکمان رفته آن شخص و کیل آبادی [را] مجبوراً می برد. النک مذکور از بیرون آمده دید که حاج وقدی شخص و کیل آبادی را می برد به لجاجت حاج وقدی و کیل آبادی را تفنگ زده تیر به پایش وارد رسیده، حاجی وقدی اورا به قریه مذکور آورده مشغول به معالجه می باشد.

نمره ۱۸

۱۹۰۸ سفارت

مخابرات استرآباد - ۱۶ ماه جون ۱۹۰۸ مطابق ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۶

درباب کشتن يك نفر ترکمان

ترکمان جعفربائی برای خریدن اشیاء به شهر آمده زمان مراجعت زیر جنگل

یکه مازو او را قتل، مال و اسباب او را بردند. از قرار معلوم مرتکب رعایای قریه زنگی محله نیم فرسخی شمالی و مغرب می باشند.

درباب معزولی بیگریگی

سپهدار به واسطه خصوصیت سابقه با آقا محمدتقی کلانتر، عمل نظمیه شهر را به این سبب به کلانتر واگذار کرده، بیگریگی را معزول نمودند. لکن قریه فوجرد يك فرسخی بین شمال و مغرب خالصه است، مشارالیه سیصدخروار اجاره کرده است.

درباب سرقت یابوی شاهکوئی

مکاری شاهکوئی يك بار روغن از اردو حمل به شهر کرده شب را در کتول توقف، دزد طایفه داز آمده یابوی او را سرقت کردند.

درباب رفتن قونسول روسیه

روز ۲۸ ماه می به عنوان مرخصی سه ماهه با خانم خود عزیمت به روسیه نموده برای کارهای قونسول گری از طهران يك نفر نایب آمده است.

درباب شورش سرباز حشمت

ایضاً خبر رسید سربازها برای نرسیدن حقوق می ریزند به چادر یا ورخودشان، بی احترامی به مشارالیه می نمایند.

درباب کشتن يك نفر رعیت مهتر کلاته را طائفه جعفربائی

۲۹ ماه می سوار جعفربائی به قریه مهتر کلاته دو فرسخی مغربی رفته يك نفر چوپان را قتل کرده، يك بلوک گوسفند چپاول کرده می برند. اهالی قریه يك نفر ترکمان را تقاص کرده، لواء الملك مأموری فرستاده شخص قاتل ترکمان را آورده حبس نمودند.

درباب لخت کردن رعیت قریه چالکی را

سلخ ماه می دو نفر رعیت بهرامعلی خان به شهر می آمدند [در] صحرای عیسی محله يك فرسخی مغربی تراکمه جعفربائی ایشان را لخت کرده، سی تومان وجه نقد، يك رأس اسب عربی صمصام لشکر را گرفته بردند.

بردن شش نفر علف کش را بایک رأس مال حاج الش

سلخ ماه مذکور حاج الش که در خیل سپهدار بوده با چهل سوار جعفربائی يك فرسخی شمالی صحرای عراقی آمده، شش نفر آدم با يك رأس مال گرو نموده اهالی محمدآبادی تعاقب کرده زدو خورد زیادی می نمایند. يك نفر ترکمان خوجه نفس تیر گرفته، ورود به منزل فوت شد. لکن حاج الش پیغام به انجمن داده است پولی که ایالت

برای خسارت گمرکخانه از من گرفته است بفرستید تا این شش نفر را روانه نمایم.

درباب سرقت مال عثمان کلاته

شب دوم ماه جون تراکمه داز به قریه عثمان کلاته رفته یک رأس مال، دورأس گاو سرقت کرده بردند. در عوض شالی ساخاوتی بوده.

درباب عارض شدن رعیت سرخانکلاته، دوفرسخی شرقی از حیدرقلی خان

یک نفر رعیت سرخانکلاته به انجمن ولایتی عارض شد که حیدرقلی خان و حاجی تقی خان امر نموده کربلائی رمضان کدخداریا چوبزده مبلغ بیست و نه تومان دیه وارد کرده است. به امر حاج شیخ حسین رئیس، مأموری رفته حیدرقلی خان و حاجی تقی خان را با کدخدا به انجمن آورده رسیدگی نمودند. بعد از ثبوت تقصیر، خواین عارض از تقصیر آنها گذشت نموده لکن حکم شد کدخداریا یا مجازات نمایند یا وجه دیه را بدهد. کدخدا انکار داشت. در محکمه آقاسید جمال رفته وجه دیه را در نه تومان اصلاح نمودند.

درباب قتل سه نفر میرمحلله، شمالی قریه تورنگ تپه سه فرسخی شرقی

این روزها دهات استرآباد و بلوک فخر عمادالدین که در آنک واقع اند به سبب نشا کردن شلتوک و اغتشاش تراکمه هر قدر به اندازه خودشان هشت نفر، ده نفر قراولی می کشند که سوار یاغی ترکمان زنها را اسیر نکنند. چون در این فصل تمام زنها دهات صبح تا ظهر برای نشا کردن شالی بیرون می روند. گرچه ترکمان طایفه داز از گماشته حاج امین الضرب دوبار برنج خواسته بودند، آقا محمدرضا نفرستاده لهذا گرچه به خیال بردن اسیر می شوند، با شحت سوار زیر جهان آباد سه فرسخی شرقی آمده، به واسطه قراولهای دهات جرأت ۲۶ نکرده برای گرفتن اسیر بیایند. هشت نفر قراول میرمحلله بعد از ظهر که آسوده شدند می روند برای مالهای خود علف بیاورند، ترکمانها یک نفر روی درختی فرستاده حرکت هشت نفر قراول را می بینند که از جای خودشان پائین تر می روند. فوراً دوازده نفر ترکمان به جای آنها رفته بسخو نمودند. قراولهای مذکور علف تراشیده مراجعت می نمایند. بدفاصله ده قدم یک مرتبه تراکمه شلیک تفنگ نموده سه نفر از سران آنها تیرافتاده هریک دوسه تیر گرفته فوت شدند. پنج نفر دیگر پیاده فرار کرده، ترکمانها سه قبضه تفنگ مقتولها را با هفت رأس اسب گرفته رفتند.

بردن وجه به انضمام فشنگ و غیره - ۶ ماه جون

روز ششم ماه جون، لواء الملك شش بار فشنگ و چهار هزار تومان وجه برای تنه حقوق قشون بادوبار سبزی و میوه جات بدتوسط ملازم مخصوص ایالت و ده نفر پیاده بلوچی و دو نفر سوارهای ساعد لشکر روانه به اردو نمودند.

درباب مراجعت اردو از گوکلان

هشتم ماه جون خبر رسید سپهدار مالیات و خسارات را از طائفه گوکلان گرفته اردو مراجعت نمودند. يك شب بين آقامام و گنبد قابوس مانده، شب دوم را به فندرسك آمدند.

درباب چهارده هزار منات طلب اتباع روس از حاج عیسی - مطالبه قونسولگری به عرض رفته بود حاج عیسی از طایفه کلانتریها طلب اتباع روس را انکار دارد. چون قونسولگری سند صحیح در دست نداشتند کار گذار هم قدری همراهی با حاج عیسی داشته وجه چهارده هزار منات را به مبلغ چهار هزار منات اصلاح نمود که نصف آن را نقد بدهد، نصف دیگر را با تریول یکساله مسترد بدارد.

درباب طرف شدن رعایای قلندر محله يك فرسخی مغربی با آقاصادق

پسر حاج سید طاهر مجتهد به تحریک چند نفر استرآبادی

عارضین آقاصادق سه نفر: يك نفر سید - يك نفر آخوند - يك نفر رعیت

آقاصادق پسر حاج سید طاهر از قریه قلندر محله دو دانگ [و] يك ربع مالك است. چندی است که رعیت مزبور را بعضی اشخاص که غرض شخصی با آقاصادق دارند محرك شده. رعایا... ۲۷ می نمایند. تا اینکه آقاصادق به قریه مذکور رفته اولاً ملا رئیس را چوب مفصلی زده به مشارالیه بی احترامی می نمایند. آقاصادق آدم خود را به شهر آورده خدمت حاج شیخ حسین رئیس انجمن فرستاده هفتصد تومان جراحات ۲۸ وارده رعیت را دیده بنویسند. انجمن خصومت ورزیده اقدامی نمی کند. آقاصادق لجاجت کرده سه نفر رعایای قلندر محله را که مرتکب بودند به عنوان خونس می طلبد. ده نفر از الواط محله میدان را همراه برداشته، داخل شدن این سه نفر به شهر جلو دروازه اولاً نجاست به خورد ایشان می دهند. چوب مفصلی به آنها زده به همین حال به انجمن بردند. حاج سید جعفر روضه خوان و ملا محمد قاسم که مدیر انجمن محسوب است به جهت این حرکت آقاصادق برای این مسئله اقدام سخت نمودند. با شش لوله توی کوچه جلو رئیس انجمن و آقا شیخ طاهر را گرفته، هر آینه آقاصادق مجازات نمی شود، شما دو نفر را به قتل برسانیم. به امر حاج شیخ حسین رئیس انجمن در تمام کوچه و بازار جار کشیدند هر کس که مقلد رساله جناب حاج میرزا حسین نجل ۲۹ می باشد در انجمن حاضر شود. صبح ۲۸ ماه می تمام دكاکین را بسته، دوهزار نفر از تجار و کسبه در انجمن می روند. تمام علماء را احضار کرده، انجمن حکم می نمایند. آقا محمد تقی کلانتر به قوه مجریه ایالت اولاً ده نفر الواط محله میدان [را] که به گفته آقاصادق اقدام در چوب زدن رعایای قلندر محله نموده می گیرند.

۱۷ - يك كلمه ناخوانا. نقلیه: بدسری.

۲۸ - اصل: جراحات.

۲۹ - مقصود حاجی میرزا حسین طهرانی مقیم نجف است.

کلانتر مذکور خود به منزل حاج سید طاهر رفته با احترام مقصرین رامی خواهد. شش نفر مقصر را حاج آقا سید طاهر تسلیم نموده در حبس بردند. چهار نفر دیگر که از فدائیان آقا صادق بودند در منزل معزی‌الیه با تفنگ و دوهزار تیر فشنگ نشستند، هر آینه برای گرفتن ایشان کسی از طرف مجلس یا حکومت برود بزنند. کلانتر مقدمه را به انجمن عنوان نموده در صورتی که تمام تجار و اهالی بلد فریاد می‌کردند که باید شخص آقا صادق مجازات شده و تنبیه شود برادرش آقا میرزا محمد مهدی مجتهد در مجلس خواست سه‌روزه مهلت بگیرد که آقا صادق را از شهر خارج کند مردم قبول نکرده بلوای سخت نمودند. کار گذار هم [که] به امر شیخ حسین در مجلس رفته بود عنوان اصلاح را می‌نماید زمان حرف زدن سکتته وارد شده حرف را می‌برند. یک مرتبه تجار و غیره به او تاخت آورده که بعضی حرفهای معترضه به کار گذار گفته شد. آخر الامر میرزا محمد مهدی پسر حاج آقا ملزم گردید دو ساعت به غروب آقا صادق را خارج کند. حاج شیخ حسین سر درب انجمن آمده نیم ساعت از مردم اظهار امتنان و دلجوئی و تشکر برای ازدحام خلق فرمودند. بعد اظهار داشتند عجالاً^{۲۰} بروید عقب کسب خودتان، دو ساعت به غروب به انجمن آمده نتیجه زحمات خودتان را از انجمن بگیرید. یک ساعت از ظهر گذشته انجمن برهم خورد. خلق متفرق، آقا میرزا محمد مهدی پسر حاج آقا با چند نفر از کسانش تعرضاً حرکت کرده رفتند. فوراً به اتفاق آقا صادق و آقا عبدالله برادرش از شهر بیرون رفت. شب را به قریه دودانگه دوفرسخی شرقی توقف می‌نمایند. به واسطه رفتن میرزا مهدی نصف اهالی بلد به هیجان آمدند. صبح ۲۹ ماه می پانصد نفر اهل شهر به اتفاق ده نفر از علمای بلد که دونفر اعضای انجمن بودند به قریه دودانگه می‌روند. شب را در آنجا مانده میرزا محمد مهدی را با آقا عبدالله همراه خود به شهر می‌آورند. آقا صادق در آنجا می‌ماند. دو یست نفر هم روز ورود استقبال کرده سلخ ماه می آقا زاده‌ها وارد به شهر گردیده تمام این جمعیت در منزل جناب معظم نان و کباب بازاری صرف نهار می‌نمایند. دوسه روز هم اهالی شهر مراوده زیادی به منزل حاج سید طاهر کرده اکثر از حالات اعضای انجمن رنجش نموده، لکن آمدن آقا صادق را خلق صلاح ندانسته به او نوشتند چند روزی به شاهرود بروید تا تکلیف معین شود. روز سیم ماه جون آقا صادق از دودانگه حرکت به سمت شاهرود کرده رفتند. تاجه شود.

درباب تلگراف انجمن استرآباد از اردوی گویکلان به

سپهدار و جواب تلگراف

انجمن ولایتی در این باب به جناب سپهدار تلگراف کرده بودند، جوابی که ایالت از اردو به توسط لواء الملك داده است از باب حرکت آقا صادق و چند نفر دیگر که قلندر محله را گرفته و نجاست به خوردشان دادند البته آن اشرار را بگیرید با حضور انجمن ولایتی استرآباد و همان اشخاص قلندر محله هر کاری که آنها به سر قلندر محله آورده‌اند

همان کار را به سر آنها بیاورند تا عبرت دیگران و اشرار بشود. از احدی ملاحظه نکنید. ضمناً اشرار را گرفته از این قرار به مجازات برسانید و تنبیه سخت و مجازات.... ۲۱ بدهید. سپهدار ۹ ماه جون مطابق ۹ جمادی الاخر ۱۳۲۶.

نمره ۱۹

سفارت و رشت

مخابرات استرآباد - ۱۹۰۸

در باب سگته کردن حاج حسین

روز نهم ماه جون حاج حسین بقال شخص قطوری بوده نماز صبح را خوانده به مرض سگته فوت شد.

مطالبه نایب قونسول روس دوهزار و هشتصد مناط را

به موجب و کسیل حاج احمد نایب مذکور را از کار گذاری مطالبه نمود. حاج احمد انکار داشت. کار گذار و کسیل را از نایب قونسول می خواهد. مشارالیه اعتبار نکرده، روز دهم به اتفاق میرزا جعفر در کار گذاری رفته حاج احمد را هم احضار نموده مطالبه می نماید. حاجی مزبور جواب داده که مدیون این و کسیلها می باشم. وجه را به توسط شخصی فرستاده ام. نایب قونسول در جواب گفته که شما نمی توانید این طور جواب بدهید. به موجب و کسیلها یا وجه باید بدهید یا اینکه قبض رسید می نمائید.

عارض شدن میرزا عبدالله ساروی پیش قره پطیانس

مشارالیه در کار گذاری عارض شد. چون يك باب کاروانسرا در بندر جز درست کرده، چند سال قبل در بیع مرحوم حاج محمدرضا بوده بعد از فوت مشارالیه حاج محمدمتقی و حاج احمد پسرهای حاج محمدرضا با میرزا عبدالله مرافعه کرده بودند و اصلاح شده بود که میرزا عبدالله تاکنون در همان جا ساکن و ادعای تصرف داشت. لذا حاج محمدمتقی دو بیست و پنجاه تومان در کار گذاری سپرده قرار دادند که میرزا عبدالله کاروانسرا را تخلیه نماید و به کس دیگر سالی چهار صد تومان اجاره دادند.

راه انداختن ماشین پنبه را

در باب درست کردن ماشین پنبه به عرض رفته، ماشین دارای صاف کردن پنبه و تمیز کردن برنج و آرد و یخ مصنوعی برای... ۲۱ [را] نه روزه راه انداختند.

درباب بسخو نمودن تراکمه در جنگل رامیان برای اردو

قبل از حرکت اردو از آقامام چهارصد سوار قرقچی و داز به جنگل رامیان رفته بسخو نمودند و سپهدار هم اردو را از این راه نیاورده، از قره جنگل می‌آید. به‌طور افتضاح سوار و سرباز مثل قشون فراری وارد به‌دارکلاه شده که هنوز پنج‌نفر سرباز نیامده‌اند.

آمدن تلگراف انجمن رشت

شب یازدهم ماه جون انجمن رشت به انجمن استرآباد تلگراف نمودند که محمدعلی شاه مستبد شده غفلتاً قورخانه را با اجزای خود از شهر حرکت داده بیرون برده. با مجلس دارالشورای ملی خیال نزاع دارد. بر تمام انجمنهای ایران لازم است که همراهی تامه با مجلس نمایند. حاج شیخ حسین رئیس انجمن اهالی استرآباد را احضار صبح یازدهم نمود. بدقرب هزارنفر در مدرسه دارالشفاء رفته تلگراف را قرائت نموده برطبق منوال انجمن رشت جواب دادند که عموماً از هر جهت حاضریم. لکن [بعلت] قضیه آقاصادق، مردم استرآباد چندفرقه شده، یک فرقه حامی سید طاهرند، یک فرقه از انجمن اعراض دارند. یک فرقه هم با انجمن همراهی دارند.

ایضاً تلگراف انجمن رشت برای رفتن علاءالدوله به روسیه

شب دوازدهم تلگراف انجمن رشت رسید. محمدعلی شاه، علاءالدوله و سردار منصور و جلال‌الدوله را از طهران نفی بلد کرده از راه مازندران به روسیه فرستاده، البته اقدام لازمه را می‌نمائید و جلوگیری خواهید نمود. انجمن استرآباد فوراً تلگراف به‌بارفروش کرده جواب آمد که چهارصدنفر از فدائیه‌های محلی برای جلوگیری حضرات رفته. تا چه اقتضا کند.

مرخص کردن ایالت سوار خراسان را از گوکلان

ایضاً سپهدار، زمان حرکت از گوکلان که سوار اکراد تماماً فرار کرده بودند، سوارهای خراسان که تیموری و هزاره باشند مرخص کرده رفتند.

مرخص کردن اردو را از دارکلاه

سپهدار به جهت سختی اردو در دارکلاه تمام اردو را اجازه داده به شهر آمدند. چون به امر سفارت کموسر ۲۲ روس در کنیک رفته که شاتزده نفر اسیر را بیاورد، به این لحاظ ایالت در آنجا مانده که کموسر مراجعت نموده با اسرا به شهر بیایند. فقط مسعودالملک را با دو بیست نفر سرباز هزارجریبی و محمدحسین خان امیر پنجه را با توپخانه همراه خود نگاه داشتند. از قراری که شنیده شد به طهران خواهند رفت.

درباب رفتن کموسر روس به امر سفارت برای اسیر اکراد

بدموجب قرارداد سفارت با وزارت خارجه اتباع که قرب جوار داشته باشند برای مجازات آنها دولت روس همراهی خواهد کرد، به این لحاظ کموسر با چندسوار جکت در کنیک رفتند زمان ورود مشارالیه ترکمانها چند تیر خالی کرده اعتنائی نمی کنند و می رود. شائزده نفر اسیر را تماماً با قاطرهای صمصام لشکر و حاج رحیم خان و سارق ماها گرفته روز سیزدهم ماه جون وارد به گنبد قابوس شدند. بیست و شش نفر اسیر دیگر که در خاک روس می باشند آن را هم خواهند آورد.

درباب گرفتن تلگراف از سپهدار

از قراری که لطفعلی خان سالار مکرّم اظهار داشت ایالت گفته بود که تلگرافخانه را پنج ساله اجاره کرده ام. دویست و پنجاه هزار تومان هم نقد داده ام. ابداً محمدعلی شاه نمی تواند تلگرافخانه را به خبرالدوله بدهد.

کشتن سوار قرقچی یک نفر سید را با یک زن در اترچال ۲۲

یک فرسخی شمالی و مشرق

شب چهاردهم ماه جون سوار طایفه قرقچی به قریه اترچال آمده دو دسته شدند: یک دسته آقا کاظم را توی خواب تیر زده گلوله ۲۲ یک طرف سرش را پاره کرده در شانه او فرو می رود. عیال شیرخان خراسانی سرش را از لحاف بیرون آورده، دسته دیگر تیر زده مشارالیه را با گلوله سرش را داغان نموده ترکمانها فرار کردند و مقصود تراکمه برای آدم زدن بود والا توی ده گاو و مال زیاد بود.

آمدن یک نفر صاحب منصب روس با سوار جکت از گنبد قابوس

برای تحقیق خرابی آق قلعه

به امر کموسر با چند سوار جکت از گنبد قابوس به آق قلعه آمده چند نفر رؤسای طایفه آتابائی را احضار کرده سؤال کرد آق قلعه را کی خراب کرد و آتابائی چند تیره می باشد. صورت آنها را برداشته بعد عنوان نمود که سی هزار تومان مخارج آق قلعه است که تراکمه به دولت خسارت وارد کرده اند.

درباب مالیات گوکلان ایلیخانی به قرب شصت هزار تومان

وجه نقد و اسب و مالی گرفته پنج هزار تومان به ایالت داده، بیست هزار تومان اجناس و قاطر لنگ و شتر لاغر رعایای جوین و معدن داده قبض گرفتند که تمام آن اموال دو هزار تومان می شد.

۳۳ - اترچال (فرهنگ آبادیها).

۳۴ - (= گلوله).

نمره ۲۵

۲۳ ماه جون ۱۹۰۸

درباب کشته شدن دونفر ترکمان قرقچی در صحرای قرق شش فرسخی شرقی

هفدهم ماه جون خبر رسید شش نفر سوار قرقچی در صحرای قرق رفته بسخو نمایند که سوار و سرباز عقب مانده را اسیر کرده ببرند. سه نفر کتولی با يك نفر فندرسکی از استرآباد می رفتند با سوارها مقابل شده يك نفر فندرسکی، دونفر ترکمان یاغی را تیر زده از اسب معلق شدند. تراکمه هم يك نفر فندرسکی را تیر زده کاری نشد. فندرسکی گوش يك نفر ترکمان مقتول را بریده خدمت ایالت برده پنج تومان انعام دادند.

رفتن سپهدار با اجزاء خود از راه زرین گل به سمت شاهرود
فرستادن شانزده نفر اسیر را به شهر به توسط خوانین مزبور

سپهدار منتظر ورود شانزده نفر اسیر اکراد بود. کموسر روس توسط دونفر سوار جکت اسرا را فندرسک فرستاده تحویل ایالت نمودند. اسرای مذکور را توسط صمصام لشکر و ساعدلشکر و حاج رحیم خان جلو فرستاده فرمودند که من هم فردا روز هجدهم را در میان آباد مهمان ساعدلشکر می باشم. آمدن خوانین به سمت شهر سپهدار غفلتاً سوار شده با اجزاء خود از دهنه زرین گل که شرقی کتول است به سمت قلعه نو و بسطام رفتند. میرزا حسین خان پیشخدمت را برای دستور العمل لواء الملك به شهر می فرستند. خوانین از فرار سپهدار مطلع شده به دیوانخانه رفته مطالبه موجب سوار خودشان را از لواء الملك نمودند. در صورتی که صمصام لشکر هفتصد تومان از سپهدار حواله داشت. مشارالیه جواب داده دیناری پول سپهدار نزد من نیست و این بات را بخورید. صمصام لشکر هم فوراً ده نفر سوار خود را به دیوانخانه فرستاده قراول گذاشتند شب را چند تیر تفنگ به دیوانخانه شایک می نمایند. حرفهای معترضه و نامربوط زیادی [گفته] و يك تخته قالیچه لواء الملك را هم به سرقت می برند. صبح نوزدهم ماه جون سوارهای صمصام قصاص کرده امین الرعایا اجزاء مخصوص سپهدار را به امر حاج رحیم خان از دیوانخانه کشیده در منزل آقامحمدتقی تاجر برده حبس کردند. اشخاصی که از اجزاء سپهدار و لواء الملك طلبکار بودند تماماً جمع شده دو سه نفر که تقریباً شش هزار تومان از ناظر سپهدار طلب داشتند به شاهرود می روند. سایرین لواء الملك را احاطه می نمایند که نا علاج بعد از جلسه قصاص و شنیدن فحش حواله صمصام لشکر را می دهد و چند فقره قروض شخصی خود را داده از ترس به منزل حاجی شیخ حسین رئیس انجمن متحصن می شود. ساعدلشکر و حاجی رحیم خان را هم حاج شیخ حسین به عهده وصول گرفتند.

www.KetabFarsi.com

مخبرات استر اباد

۱۹۰۹

(۸ ذی الحجة ۱۳۲۶ - ۱۸ ذی الحجة ۱۳۲۷)

تلگراف حاجی شیخ حسین به انجمن‌های شاهرود، بسطام، دامغان، سمنان به جهت فرار سپهدار

رفتن سپهدار از فندرسک به سمت بسطام باعث خیال انجمن گردیده روز نوزدهم حاجی شیخ حسین چهار تلگراف به انجمن‌های مذکور نمود که سپهدار سی هزار تومان حقوق افواج را نداده، فرار کرده است. البته انجمن هر نقطه جلوگیری خواهد کرد.

تلگراف سپهدار از بسطام - احضار لواء الملك - جواب تلگراف صارم الممالک
روز بیستم ماه مذکور سپهدار تلگرافی به لواء الملك فرموده کارهای خود را انجام داده به شاهرود بیاید. ایضاً تلگراف دیگر در جواب اسمعیل خان صارم الممالک نموده که اجازه مرخصی خواسته بود، جواب دادند که من از تمام شئون خود به دولت استعفا داده و عجالاً عازم ارض اقدس می‌باشم. ابدأ در کارهای استرآباد دخالت ندارم.

شب بیستم تلگراف مجلس شورای ملی برای نقض عهدشاه

مجلس طهران و انجمن تبریز و غیره به انجمن استرآباد تلگراف نمودند که محمدعلی شاه مستبد شده، با مجلس طهران خیال منازعه را دارند. البته بر تمام انجمن‌های ایران لازم است در این موقع کمک و همراهی در مشروطیت داشته باشند.

درباب تلگراف انجمن بارفروش به استرآباد

انجمن بارفروش تلگراف نمودند که برای جلوگیری علاءالدوله و جلال‌الدوله و سردار منصور دو بیست نفر به سمت فیروزکوه حرکت کرده و چهارصد نفر هم مجاهدین ملت برای کمک اعضای مجلس ملی حاضر شده در شرف حرکت‌اند.

احضار انجمن اهالی را در مصلی

بیست و یکم ماه جون انجمن استرآباد اهالی را در مصلی دوساعت به غروب مانده احضار کرده. به قرب دو بیست نفر از تجار و کسبه و اطرافی برای درک مطالب می‌روند که رفتن مجاهدین استرآباد به طهران معلق شود. چند نفر می‌روند. مشیرالسلطنه وزیر داخله تلگرافی به انجمن نمود، در مصلی رسید که اعلیحضرت اقدس شهریاری با کمال میل و رغبت با مجلس همراهی دارند. بعضی حرفها که مغرضین نش کرده‌اند، البته انجمن‌های ایران نباید بدون جهت از جای خودشان حرکت بی‌قاعده نمایند که خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی را مشوب و دلگیر نمایند. ورود تلگراف مشیرالسلطنه [را] اکثر پولتیک دانسته فوراً برای استمزاج تلگرافی به مجلس مقدس نموده، جواب فوری خواستند، تاکنون هم جواب نرسیده.

درباب فرار کردن سوار و سرباز بدون اجازه

روز یکم سپهدار اردو را از فندرسک روانه به شهر نمود. سربازها که بعضی فرار

کرده، اکثری تفنگ دیوان را با خود بردند، سایر سرباز و سوار هم که به شهر وارد شدند تماماً تفنگهای خود را ریخته بدون اجازه رفتند، حتی ده نفر سرباز نماندند که منزل دولت را محافظت نمایند. لکن صاحب منصبان آنها منتظر اجازه و از حقوق خودشان مدنظر می نمایند.

درباب مفقود شدن چهار نفر سرباز... ۲۵

زمانی که اردو از گوکلان مراجعت نمود از راه قره جنگل فندرسک آمده چهار نفر سرباز مذکور عقب ماندند. تاکنون آنچه تنصص شده اثری از ایشان نیست. به طریق حدس ۲۶ دچار تراکمه شده اند. لکن مراجعت اردو بیست قبضه تفنگ سرباز و سوار بین راه تفریط شده است.

درباب رأی انجمن برای نیابت رکن الوزاره

سرکرده های استرآباد مشورت نمودند که رکن الوزراء نایب الحکومه بشود. انجمن هم تصدیق نمودند. ولی مشارالیه عذر آورده، لواء الملک را از منزل حاج شیخ حسین منزل خود آورده با حاج سید طاهر و حاج شیخ حسین مذاکره نمودند که مجدداً به دیوانخانه برده در مسند نیابت جلوس نمودند. تا چه اقتضا کند.

درباب کشتن يك نفر سوار مازندرانی صحرای عیسی محله

يك فرسخی مغربی

بیست و سیم ماه جون خبر رسید سوار جعفر بائی در صحرای عیسی محله يك نفر سرباز هزار جریبی را به قتل رسانیده، علیقلی خان مسعود الملک برای تحقیق آدمی فرستاده، تراکمه جعفر بائی بسخو داشته يك نفر سوار مازندرانی از استرآباد می رفت در نقطه مذکور او را به قتل رسانیده اسب و تفنگ و اسباب او را بردند.

نمره ۲۱۵

سفارت و رشت ۱۹۰۸

درباب سرقت گاو از اشرف

بیست و چهارم ماه جون خبر رسید ترکمانهای طائفه جعفر بائی سیزده رأس گاو از محالات اشرف چپاول کرده بالتکا حمل به گموش تپه نمودند.

۳۵ - يك كلمه ناخوانا. ظاهراً: یخ کنی.

۳۶ - اصل: حدت.

درباب کشتن يك نفر رعیت کردمحلہ

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی بهقریه کردمحلہ چهارفرسخی مغربی رفته يك نفر را پانزده تیر زده که تماماً بر بدن او وارد شده فوت شد.

درباب کشتن پسر شیخ علی اکبر خودش را

ایضاً خبر رسید پسر شیخ علی اکبر ساروی که خود را از مجاهدین دانسته برای نفاق اهالی ساری خود را هدف گلوله می سازد.

درباب زن نصرانیه تبعه عثمانی دختره روس را

مشارالیهها يك نفر دختری از روسیه فراراً همراه خود در بندرجز آورده اگنط روس باخبر شده ایشان را گرفتند. نصرانیه را تحت الحفظ به استرآباد فرستاده تسلیم کارگذاری نمودند، دختره روس را به روسیه عودت دادند.

درباب اسیر کردن دو نفر رعیت تخیی محلہ را

۲۶ ماه جون خبر رسید سوار طایفه جعفربائی دو نفر رعیت قریه مذکوررایک فرسخی مغربی اسیر کرده بردند.

درباب تلگراف سپهدار توسط ابوالفتح خان

ایالت از بسطام به رئیس تلگرافخانه مخابره نمودند هفده هزارتومان از بابت حقوق قشون تسلیم لواءالملک شده است. شش هزار و دویست تومان در اردو فرستادند و به قرب چهارهزارتومان هم حواله داده شده است. الباقی شش هزار و هشتصد تومان درترد مشارالیه می ماند. به موجب این تلگراف حساب نموده وجه را از او بگیرند.

درباب توپ بستن شاه به مجلس - راپرت روسها

نایب قونسول روس در استرآباد انتشار داده محمدعلی شاه مجلس را توپ بسته. انجمنهای فوق العاده تماماً توقیف، دولت بر ملت غالب شده است. دراین چندروزه آنچه انجمن استرآباد به مجلس ملی تلگراف نموده اند جواب درستی برای ایشان نیامده است.

درباب رفتن سرکرده های مازندران

به عرض رفته بود قشون مأمور استرآباد بدون اجازه تماماً رفته اند. سرکرده ها بعداز رفتن ابوابجمعی خودشان منتظر اجازه از طرف سپهدار بودند، سوای دوفوج هزارجریبی سایرین را اجازه نداده، تماماً بدون اجازه سپهدار تفنگها را تحویل رئیس فوج داده رفتند.

درباب قراولی ملت به اجازه انجمن ذخیره دولت را

چون تمام سرباز و سوار ساخلوی استرآباد فرار نموده‌اند انجمن ملی قرار داده هرگذری تنها پنج نفر حاضر شده، دو چاتمه برای حراست ذخیره دولت بردند. باقی ایشان به ریاست آقا شیخ محمدباقر اعضای انجمن در شهر گردش نمایند.

درباب رفتن تلگرافچیها به قونسولگری. شاکی از رئیس خود

تلگرافچی گنبد قابوس از... ۲۷ آنجا به استرآباد آمده با سه نفر تلگرافچی حضوری همدست شده مطالبه حقوق و انعامات که از طرف سپهدار داده شده بود می نمایند. ابوالفتح خان جواب اسکات به ایشان نداده، چهار نفر تلگرافچی به قونسولگری روس رفته متحصن شدند. مخبرالدوله غره ماه جولای تلگراف نمود هرآینه سه روزه تلگرافچی از قونسولگری به مأموریت خود نروند از اداره خارجند.

درباب جلو گرفتن شیخ محمدباقر ساعت چهار از کارگذار

اعتصام الممالک رئیس کمیسیون گنبد قابوس بواسطه نبودن شغل و پنهانی برای سرکشی اهل و عیال به استرآباد آمده کارگذار شب دوم ماه جولای در آنجا دعوت داشته ساعت چهار مراجعت می کند. کسان شیخ محمدباقر او را می گیرند. نیم ساعت در کوچه‌ها همراه خود گردانیده بعد رهایش نمودند. در صورتی که معزی‌الیه مست بوده و بعضی حرفهای... ۲۸ به او می زدند.

درباب تلگراف وزیر داخله به لواء الملك

از طرف وزیر داخله مشیرالسلطنه تلگراف رسید. عجلتاً لواء الملك نایب الحکومه بوده باشد تا حکومت استرآباد معین بشود. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۳

سفارت و رشت

۲۴ ماه جولای ۱۹۰۸

رفتن نایب قونسول به بیلاق

معظم‌الیه به عنوان گردش در زیارت خاصه رود رفته نپسندیده مراجعت کرد. از حکومت کارگذاری برای حمل بنه مال خواست. ایشان از عهده برنیامده، نایب قونسول امر کرده غلام قونسولگری با دو قزاق از بازار مال... ۲۹ به قونسولگری برده و به سمت

۳۷ - يك كلمه ناخوانا.

۳۸ - يك كلمه ناخوانا، ظاهراً: خش.

۳۹ - يك كلمه ناخوانا، ظاهراً: مجبوراً.

چالخانه حرکت کرده رفتند.

درباب حرکت سپهدار از بسطام

به عرض رفته بود جناب عزیمت خراسان دارند. بعد آشوب و انقلابات طهران چند روز اطراف شاهرود گردش نموده به سمت طهران عزیمت نمودند.

درباب رفتن لواء الملك - پنجم ماه جولای از استرآباد

مشارالیه بعد از رسیدن تلگراف مشیرالسلطنه برای نیابت استرآباد و اغتشاش طهران از وحشت سابقه بیرون آمده به توسط کارگذار هفت رأس اسب زینی و باری گرفته با غلامباشی کارگذاری و پنج نفر قزاق از راه زیارت حرکت نموده به سمت طهران رفتند.

تعطیل انجمن استرآباد، بارفروش و ساری و شاهرود موقوف

انجمن استرآباد سه هفته است که تعطیل شده. اعضای انجمن از خانه خود بیرون نمی روند. (توسط پست خبر رسید) و انجمنهای مذکور هم بکلی بسته شده است.

درباب تلگراف وزیر داخله به رئیس تلگراف

هفتم ماه جولای وزیر به شاهزاده ابوالفتح خان تلگراف نمودند که نیابت استرآباد به عهده شما می باشد. اقدامات در امنیت آنجا به عمل آورده، همین دو روزه حکومت کافی برای استرآباد معین کرده با استعداد لازمه خواهد آمد.

تلگراف مجدد از طرف وزیر داخله به شاهرود

خطاباً نواب ابوالفتح خان، تلگرافاً سالار مکرم را با صدسوار و افواج هزارجریبی و فوج دودانگه احضار نمائید. برای ساخلوی آن سرحد آمده تا ورود حکومت محافظت نمائید. تاجه اقتضا کند.

درباب معزولی کلانتر شهر

ابوالفتح خان، آقامحمدتقی کلانتر را معزول کرده عمل نظمیه شب را کمافی السابق به حسین خان بیگلریگی واگذار نمود.

درباب تلگراف محمدعلی شاه

دهم ماه مذکور محمدعلی شاه تلگراف مفصلی به عموم رعیت استرآباد نمود که موبک همایونی ما به تمام افراد ملت با کمال میل و رغبت می گوید که تماماً مشغول به کسب خود بوده حرفهای غرض آمیز بعضی را گوش ندهند.

درباب تیرزدن ترکمان را

ساخلوی قریه هاشم آباد از جعفر بائی بدقریه مذکور می آمد. زیر حد قریه رعیت حیدرآبادی ساخلو مذکور را تیرزده نمرده است.

درباب آمدن ابراهیم خان برای نمایش سینمو تقلالاف^{۴۰}

مشارالیه اهل طهران حامل دستگاه سینمو تگراف عکس متحرک از راه بندر جز به استرآباد آمده در پستخانه وارد شد. از قرار مذکور با غلامهای سفارت بستگی دارد و شبها مردم در پستخانه رفته، شبی هشت پرده عکس نشان می دهد.

درباب سرقت پست را

پست شاهرود زمان آمدن به استرآباد شب را در قیالخانه^{۴۱} مانده. نایب قونسول روس دو بیست تومان وجه مال تبعه روس را به توسط چاپار برای میرزا جعفر خان منشی فرستاده. قاطرچی های صمصام لشکر به اتفاق غلام پست می آمدند، در بین راه دو بیست تومان وجه مذکور را سرقت می نمایند. ورود به شهر غلام اظهار داشته سرقت وجه با قاطرچیها می باشد. از طرف شاهزاده ابوالفتح خان نایب الحکومه امر شد چهار نفر قاطرچیها را گرفته حبس کردند. لاکن دوهزار تومان وجه طلا مال تجار بود آنرا هم برده اند. تا چه اقتضا کند.

درباب مشروطه طلبان

جمعی از تجار و محترمین که خود را مشروطه طلب می دانند، عقیده ایشان است که مجلس و انجمنها چون به تحریک سفارت فخمیه دایر شده بود لهذا دولت فخمیه انگلیس در انعقاد مجلس ملی سعی و همراهی تامه را دارند.

نمره ۴۴

سفارت و رشت

درباب کشتن رعیت انجرا بی^{۴۲} شب ۱۵ ماه جولای

رعیت قریه مذکور نیم فرسخی مغربی برای...^{۴۳} شالی که در استرآباد از این فصل تا اوایل برج عقرب همیشب برای محافظت شلتوک باید بروند بیرون رفته، چهار نفر ترکمان بهار بر خورده، به قتل رسانیده، تفنگ او را بردند.

۴۰ - صورت دیگری از «سینمو تگراف» است.

۴۱ - کذا در اصل، شاید چالخانه (ص ۵۵).

۴۲ - انجیرآبی (گرگان زمین).

۴۳ - يك كلمه ناخوانا.

درباب سرقت پست

به عرض رفته بود چون دوسه روز برای تحقیق خفید بوده بعد از دو مرتبه استنطاق و رسیدن پست از پستخانه شاهرود، چهار بسته وجه طلا از سفارت روس به عنوان قونسولگری فرستاده شده، سوای دو بسته امانت که مال تجار تخمیناً سه هزار تومان می شود، بعد از استنطاق در کارگذاری غلام پست را با پسرش گرفته حبس کردند. تا چه اقتضا کند.

درباب آمدن تراکمه جعفر بانی بر قریه آزاد محله يك فرسخی غربی

خبر رسید شب ۱۶ ماه جولای سیصد سوار ترکمان به سر قریه آمده اهل قریه با خبر شده نزاع سختی [کرده] تراکمه دو خانه آتش زده، دونفر ترکمان به قتل رسیده رفتند.

درباب قتل دونفر ترکمان بش اوسقه در کرد محله

ایضاً اهالی کرد محله برای تراکمه بش اوسقه ۴۴ پیغام داده زیر حد قریه آمده ملاقات نمایند. سدفتر ترکمان آمده، قضای اتفاقی ترکمانها قاتل يك نفر مقتول کرد محله بوده، بعد از صحبت زیاد اشخاص کرد محله حمله ور شده دونفر ترکمان را تیر زده کشتند. يك نفر فرار کرده، به او به خبر می دهد. روز هجدهم جولای برای تقاص ترکمانها سوار شده به سر قریه کرد محله بروند. اهالی قریه قبل از وقت بسخو و تهیه داشته به قرب چهار ساعت نزاع کرده، چهار نفر ترکمان مقتول، دونفر هم تیر گرفته برگشتند.

درباب ریختن نطف درب خانه اعضای انجمن و سنگ انداختن

شب نوزدهم ماه جولای به تحریک آقاصادق پسر حاج سید طاهر که ضد اعضای انجمن بوده، سه عدد آفتابه و لوله ن ۴۵ درب خانه شیخ اسمعیل قاضی آویزان می نمایند و خانه رمضانعلی برادرش که رئیس انجمن تجار بوده نطف می ریزند. به قرب بیست خانه اطراف و جوانب خانه حاج شیخ حسین رئیس را هم سنگ می ریزند. تا چه شود.

درباب نزاع داروغه با پسر اسمعیل کدخدای شب بیستم جولای

ایضاً به واسطه ریختن نطف به خانه رمضانعلی نام تجار ساکن محله درب نو، در این باب مجلس نموده که مرتکب کیست؟ افوا [ها] گفته شد که پسر زن اسمعیل کدخدا بوده، آقا محمود که داروغه بازار است چند نفر آدم همراه برداشته شب بیستم پسر زن اسمعیل را چوب می زنند. روز مذکور داروغه از دهنه عباسعلی رد می شود. چند نفر میدانی او را چوب مفصلی زده، فراراً خود را به خانه حاج سید طاهر رسانیدند. آقامیرزا محمد مهدی پسر حاجی آقا آمده الواطها را متفرق نمودند.

۴۴ - بش یوسقه (فرهنگ آبادیهای ایران).

۴۵ - لولهنگ.